



### تربیت دینی در عصر پست‌مدرن

دکتر حکیمه‌السادات شریف‌زاده؛ استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران

hakimehsharifzadeh@gmail.com

#### چکیده

برای تربیت دینی انسان در دنیای امروز با توجه به تغییراتی که در حوزه بینش‌ها و ارزش‌ها پیدا کرده است توجه به ویژگی‌های عصر پست‌مدرن ضروری است؛ البته بررسی این ویژگی‌ها دشواری‌های بسیاری دارد؛ زیرا اظهارات و دیدگاه‌های زیادی وجود دارند؛ اما در هر حال باید به مکاتب مختلف فکری و تحولات مهم در این دوران نظری بیفکنیم. از ویژگی‌های مهم عصر پست‌مدرن، گسترش سریع اطلاعات، وسعت یافتن ارتباطات، جهانی‌شدن، پیشرفت فزاینده فن‌آوری، کثرت‌گرایی فرهنگی و بروز بحران‌های فردی و اجتماعی است. دیگر آنکه جایگاه دین در عصر پست‌مدرن، مورد بازنگری و برخلاف تصور عده‌ای رویکرد دینی مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین در بستر جدید، تربیت دینی معنایی خاص پیدا می‌کند یعنی باید از عناصر عقلانیت، به دست آوردن معیارها و نقادی برخوردار باشد. در این مقاله پس از مطرح ساختن ویژگی عصر پست‌مدرن، مؤلفه‌های تربیت دینی با توجه به شرایط حاضر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ و در انتها پیشنهادها عملی در این زمینه ارائه خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** تربیت دینی، عصر پست‌مدرن، مؤلفه‌های تربیت.

#### مقدمه

در جهان معاصر اصول، مبانی و آموزه‌های پست‌مدرن در حال گسترش است. آن‌گونه که در عرصه‌های مختلفی چون سیاست، هنر، فلسفه، ادبیات و از جمله تعلیم و تربیت مسائل تازه‌ای را به وجود آورده است. در عرصه تعلیم و تربیت، پست‌مدرن بیشتر به دنبال نقد تربیت مدرن و به چالش کشیدن آن است. مکاتب مختلف فکری و فلسفی و همچنین ایدئولوژی‌ها و مذاهب گوناگون در طول تاریخ خصوصیات انسان را به‌عنوان یک موجود بررسی کرده‌اند. به دلیل تغییرات مهمی که در جهان امروز پدید آمده است، از جمله گسترش سریع اطلاعات، وسعت یافتن ارتباطات، جهانی‌شدن و پیشرفت فزاینده فن‌آوری و کثرت‌گرایی فرهنگی و ... لازم است که نقش مکتب اسلام در برآوردن انتظارات جدید مورد بررسی قرار گیرد.

فرد در وضعیت‌های مختلف محیطی در معرض حالات و احساسات و افکار معینی قرار می‌گیرد. شرایط مختلف زمانی و موقعیت‌های متفاوت مکانی، منشأ آثار متفاوتی بر وی است. بررسی ویژگی‌های عصر و زمانه می‌تواند در این زمینه بسیار

مؤثر باشد؛ هرچند که ویژگی مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط نیز در انسان وجود دارد و انسان موجودی است که می‌تواند در قبال تغییرات و یا تأثیرات شرایط زمانی و مکانی ایستادگی کند و یا حتی شرایط را تحت‌تأثیر قرار دهد؛ یعنی نقش‌آفرینی کند.

تربیت دینی در عصر پست‌مدرن را بدون این زمینه نمی‌توان بررسی کرد؛ بنابراین سؤال این است که از نظر مکتب اسلام در شرایط اجتماعی سیاسی و فرهنگی جدید چگونه باید انسان را تربیت نمود و چگونه می‌توان انتظارات جدید متربیان را برآورده کرد؟ و آیا مطابق این تغییرات باید نظریات جدیدی به وجود بیاید و مکاتب فکری گذشته قادر به تربیت و برآورده کردن خواسته‌ها و انتظارات او نیستند؟ برای پاسخ به این سؤالات، تجزیه و تحلیل وضعیت زمانه و خواسته‌ها و انتظارات انسان امروز، امری ضروری است. بررسی این مسئله که مکتب فکری «اسلام» چگونه می‌تواند با عصر و زمانه پیش رود و تربیت انسان را در مواجهه با این تغییرات و تحولات جدید یاری برساند، موضوعی قابل‌تأمل است. در مکتب اسلام، انسان موجودی کمال‌جو توصیف شده است؛ به عبارت دیگر، موجودی است که خدا تعقل ورزیدن و کسب علم را به او امر می‌کند؛ بنابراین با بعضی مکاتب و ایدئولوژی‌ها و مذاهب متفاوت است.

### بررسی ویژگی‌های عصر پست‌مدرن

بررسی ویژگی‌های عصر پست‌مدرن دشواری‌های بسیار دارد؛ زیرا مکاتب فکری مختلف، اظهارات و دیدگاه‌های متفاوت و زیادی دارند؛ اما در هر حال باید به مکاتب مختلف فکری و تحولات مهم در قرن معاصر نظری افکند و یا حداقل بعضی از این تغییرات را که تأثیرات بیشتری ایجاد نموده‌اند، مورد بازبینی قرار دهیم.

برای شناخت عصر حاضر باید به اصطلاحات مدرنیسم و پست‌مدرنیسم توجه کنیم. مدرنیته را باید در چارچوب انسان‌شناختی آن، دگرگونی گسترده‌ای تعریف کرد که با زیرورو شدن جامعه اروپایی از قرن هفده آغاز شد و در قرن بیستم به اوج خود رسید. به این ترتیب جامعه مدرن جایگزین جامعه پیش‌مدرن شد. انقلاب مدرنیته در سه حوزه اساسی قابل‌مشاهده است. نخست، حوزه سیاسی با پدید آمدن دولت ملی، دوم، بازارمحوری اقتصادی و تکنولوژیک و سوم، انسان‌محوری ایدئولوژیک و عقلانی (فکوهی، ۱۳۸۱، ۳۵). در واقع پس از دوره تجدید حیات علمی-فرهنگی غرب (رنسانس) و رشد خیرمکننده و روزافزون علوم تجربی چنین الفاء شده است که علم، بیشتر و بهتر می‌تواند پاسخگوی نیازهای انسان باشد؛ بنابراین جهان مدرن به‌مثابه جهان عقلانی و جهانی که در بجه منطق انسانی و باتجربه علمی و تجربی زایش می‌یابد، خود را جلوه‌گر نموده است.

درواقع پست‌مدرنیسم، تحولات مهم عینی و ذهنی است که بعد از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد که از لحاظ تکنولوژی، اطلاعات، مناسبات بین‌المللی، ساخت دولت، ملت‌ها، ساخت سیاست بین‌المللی، مفهوم قدرت و در عرصه اقتصادی و در تمامی ساحت‌های زندگی بشر به وجود آمد. (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۴، ۱۳). تحولات دیگر این دوران عبارت‌اند از: گسترش عظیم اقتصادی، گسترش بوروکراسی دولتی برای اداره دولت رفاه رو به رشد، تکنولوژی‌های جدید، آمادگی نظامی دائمی جهت بازدارندگی، کنترل فنی و سازمانی فرایندهای زندگی اجتماعی از طریق نهادهای صنفی و نیز دولتی، استقرار مستمر شبکه جهانی تلویزیون و ارتباطات آنی به‌جای فرهنگ‌های محلی و سنتی، پیدایش جهان تازه فرهنگ‌عامه توده‌ای، انحلال خانواده گسترده و جماعت‌های کوچک محلی بر اثر تحریک اجتماعی و جغرافیایی، تأثیرات زیست‌محیطی مدرن‌سازی فن‌آوران، شورش‌های اجتماعی داخلی گروه‌های قومی، طبقات اقتصادی و زنان که در گذشته حقوقشان سلب شده بود (کهون، ۱۳۸۱، ۲۷۵).

فیلسوفان بسیاری در زمینه پست‌مدرن کار کرده‌اند که از جمله می‌توان به *لیوتار*، *فوکو* و *دریدا* اشاره کرد که از جمله پست‌مدرن‌های معروف هستند و آثار آنها در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امروزه مدرنیسم از جانب پست‌مدرن‌ها زیر سؤال رفته است و بنابراین شناخت پست‌مدرنیسم ضروری می‌نماید (فرمیانی، ۱۳۸۲، ۳۵). تعاریف متعددی از پست‌مدرن ارائه شده است. مشهورترین تعریف از آن *لیوتار* است که پست‌مدرن را همان تردید و ناباوری درباره فراروایت‌ها می‌داند؛ پس از این دیدگاه، او پست‌مدرنیسم را جنبشی چندمنظوره دانسته که نارضایتی خود را از دانش و عقیده‌ای که خویش را جهانی می‌دارد اظهار می‌کند (نونری، ۱۳۷۹، ۶۸).

درواقع، پست‌مدرنیسم چیزی بیش از تصحیح اشتباهات مدرنیسم و همچنین نوعی بازنگری در مدرنیسم است. یعنی آن آرمان‌ها یا مبناهایی را که نوگرایی به آنها تکیه داشت تا بتواند به آن آرمان‌ها دست یابد را مورد تردید قرار می‌دهد. اندیشه‌های پست‌مدرن در تلاش است مسائل مختلف فکری را که به نام عقل‌گرایی کنار گذاشته شده بود بار دیگر در عرصه تفکر مطرح سازد. ویژگی دیگر خارج کردن انسان از مرکزیت و سوژه بودن است. همچنین زبان برای فرامدرنیسم‌ها جایگزین عقل شده است. خود مفهومی یا خودپنداری در این عصر، بر اساس هویت ساخته‌شده‌ای است که از منابع فرهنگی متعددی ساخته و یا بازسازی می‌شود. اخلاقیات، دیگر مثل گذشته حاصل میراث فرهنگی و دینی واحد نیست؛ بلکه بیشتر بر اساس گفتگو و گزینش است. قضاوت و تصمیم‌گیری بر اساس جهان‌بینی‌های فرهنگی دائماً در حال تغییر است که اساساً به‌وسیله خود انسان ساخته می‌شود.

جهان امروز شاهد بروز و ظهور گسترده تنوع‌خواهی در میان مردم است و این تنوع و تکرر مورد نظر مردم نیز بیشتر در عرصه سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و مسائل فرهنگی خود را نشان می‌دهد. انسان معاصر مطیع بی‌قیدوشرط فرهنگ غالب نیست (سجادی، ۱۳۸۴، ۲۶).

درواقع در گستره هنر و فرهنگ، هیچ سبکی غالب نیست، بلکه با بدیهه‌سازی‌های بی‌پایان، تنوع مضامین، طنز، تجاها و شوخ‌طبعی روبه‌رو هستیم. در همه‌جا افرادی وجود دارند که سنت‌ها را با هم ادغام می‌کنند. اکنون تمامی نمادها و نشانه‌های فرهنگی جهان در قلمرو عمومی و در دسترس همگان قرار گرفته است (اندرسون، ۱۳۸۰، ۸۳). پست‌مدرنیسم اساساً آمیزه‌ای التقاطی از هر نوع سنت با سنت‌های گذشته است. هم تداوم و استمرار مدرنیسم است و هم استعلا و تکامل آن. ویژگی اصلی آثار پست‌مدرن را می‌توان در کدها و رمزهای چندگانه، مبهم، کنایی و طنزآلود، هجویات، گزینش‌های متنوع و پراکنده، تضاد و عدم استمرار و یا گسست در سنت‌ها جستجو کرد؛ زیرا این ناهماهنگی‌ها، عدم تجانس‌ها و یکنواختی‌ها، تمامی فضای ما را احاطه کرده‌اند (جنکز، ۱۳۸۰، ۹۹).

البته معنا و سنت پست‌مدرنیسم، مدام در حال تغییر و تحول است و باید تاریخ‌های زمانی و بسترهای مکانی تفکرات پست‌مدرنیستی را مشخص کرد. از نظر تفکرات فلسفی، تفکرات مختلف پست‌مدرنیستی با آنکه تفاوت‌های فراوانی دارند در یک‌سری ویژگی‌ها مشترک هستند؛ یکی آنکه فلسفه دیگر در مقامی نیست که بتواند حیطه کلاسیک‌اش را حفظ کند؛ یعنی فلسفه دیگر نمی‌تواند وانمود کند آن چیزی است که برای زمانی طولانی تصمیم گرفته بود باشد؛ به عبارت دیگر، فلسفه جستجویی برای حقیقت است. دیگر آنکه زبان، پایگاه حیاتی تفکر است؛ زیرا این پایگاه، همان‌جایی است که ما با پرسش معنا رودرو می‌شویم. در نتیجه پرسش معنا، جایگزین پرسش کلاسیک حقیقت می‌شود (بادیو، ۱۳۸۳، ۵۰).

پست‌مدرنیست‌ها، معرفت و دانش را پارچه‌پاره، جزئی و مشروط می‌دانند که در آن همیشه محل‌های چندگانه‌ای برای تولید دانش باقی می‌ماند؛ یعنی حقایق زیادی وجود دارند و هیچ حقیقت فوق‌العاده‌ای دربرگیرنده همه حقایق ممکن نیست؛ به عبارت دیگر، در معرفت‌شناسی نیز گرایش به کثرت‌گرایی دارند (لیوتار، ۱۹۸۶، ۶۸). لیوتار اعتقاد دارد که علم در وضعیت پست‌مدرن‌اش با چیزهایی مثل عدم تعین، محدودیت‌های کنترل دقیق، تضادهای ناشی از اطلاعات ناقص، وقایع ناگهانی و معماهای عملی و با نظریه‌پردازی درباره‌ی کامل خود به‌منزله‌ی فرآیندی ناپیوسته، ناگهانی، تصحیح‌ناپذیر و معمایی سروکار دارد (لیوتار، ۱۹۸۶، ۳۲). در واقع در این عصر، مشروعیت دانش بر حسب عملکرد آن تعیین می‌شود. هدف فن‌آوری هم حقیقت‌یابی نیست؛ بلکه عملکرد بهینه است. پژوهش و پیشرفت در دانش بر حسب عملکرد یا کارایی است (بهشتی، ۱۳۷۷، ۱۴۰)؛ البته پست‌مدرنیست‌ها گفتمان را در کشف حقایق مؤثر می‌دانند و هیچ گفتمانی را برتر از دیگری نمی‌دانند و اعتقاد دارند که هر گفتمانی می‌تواند ما را به حقیقت برساند (کاردان، ۱۳۸۱، ۱۹۲).

عمده‌ترین پیامد مدرنیسم که در دوره پست‌مدرنیسم نیز روند پرشتاب و رو به گسترش دارد، جهانی‌شدن است. پدیده جهانی‌شدن از نتایج دوران مدرنیته و توسعه و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات است. واژه جهانی‌شدن و جهانی‌سازی برای توصیف مرحله بین‌المللی شدن ارتباطات، چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق مبادله و انواع پیام‌ها به‌کار رفته است (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳، ۱۲). این پدیده فرآیندی متنوع و قدرتمند است که در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و ... در حال به وقوع پیوستن است. جهانی‌شدن در فرآیند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع، فرهنگ‌ها، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهان معنا پیدا می‌کند (گودرزی، ۱۳۸۲، ۲۷). در هر حال جهانی‌شدن به مجموعه فرآیندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که به‌موجب آن، دولت‌های ملی، ملت‌ها و فرهنگ‌ها در جهت زیستن در یک جامعه، واحد همکاری آگاهانه پیدا می‌کنند. با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره، ما شاهد یک تنوع ارتباط نزدیک میان جوامع بشری هستیم. جهانی‌شدن بر حوزه فرهنگ ملی و دینی تأثیرگذار بوده است.

### اسلام و مواجهه با انتظارات متریبان در عصر حاضر

همان‌طور که اشاره شد، عصر جدید (پست‌مدرن) عصری است که نشان داد دستاوردهای انقلاب صنعتی، علم، رفورماسیون، روشنگری و عقلانیت، راه‌حل‌های نهایی برای بشر نیستند و مشکلات و گره‌های جدیدی برای بشر به وجود می‌آورند؛ از این‌رو شک‌ها و تردیدهایی در متریبان به وجود آمده است. پیدا شدن جنبش‌ها و نهضت‌های فکری و فلسفی متعددی در خلال سال‌های نیمه دوم قرن بیستم نشانگر همین موضوع است که در این میان، اسلام به‌عنوان یکی از ادیان مهم توحیدی بیش از سایر جریان‌ها توانست در کانون توجه جهان معاصر قرار بگیرد.

البته سؤالات مختلفی در این رابطه مطرح می‌شود. اینکه اسلام با ویژگی‌های عصر جدید چه مناسبتی دارد و یا آنکه مسلمانان چگونه می‌توانند ویژگی‌های اساسی اسلامی خود را در مواجهه با فلسفه‌های مختلف عصر پست‌مدرنیسمی حفظ کنند یا اینکه چگونه یک نظام تربیتی اسلامی که به مجموعه قوانین رفتاری معین و سنت‌هایی مبتنی بر کتاب مقدس قرآن استوار است می‌تواند از عهده مشکلات در عصری برآید که عامدانه و آگاهانه گذشته را به دور افکنده و در تنوع و پراکندگی دست‌وپا می‌زند.

زیر سؤال بردن مدرنیته و نابوری و عدم ایمان به آن، روحیه کثرت‌گرایی و پلورالیسم، شک و تردید عمیق بابت هرگونه راست‌کیشی سنتی، نفی نگرش به جهان به‌مثابه کلیتی به‌همپیوسته، منسجم و همه‌شمول و نفی انتظار هرگونه رامحل نهایی و پاسخ‌های قطعی از ویژگی‌های عصر پست‌مدرن است که به آن اشاره شد. ویژگی دیگر آن، همزیستی و انطباق با عصر رسانه‌ها است. امروزه اهمیت و تأثیر رسانه‌ها به‌عنوان جریان‌های اساسی برای درک قدرت و سلطه است؛ زیرا از طریق تصاویر موجود بر روی صفحات تلویزیون می‌توان تأثیرات بسزایی داشته باشد و ابزار قدرتمند در فرافکنی فرهنگ غالب و مسلط تمدن جهانی است.

در عصر پست‌مدرن، بسیاری از اعتقادات و مسائل اسلامی در رسانه‌ها موردبررسی و تمسخر قرار گرفته و یا به‌صورت نفرت‌آمیزی ارائه می‌شود. حملات علیه یکسری از مسلمانان افراطی، تبدیل به حمله علیه کل مسلمانان می‌شود. اسلام به‌عنوان دینی که دنیوی و دنیازده نشده و ادعای شناخت کامل انسان را دارد و بهترین نوع تربیت را ارائه می‌کند باید به‌وسیله مربیان مسلمان و متعهد در نظام‌های تربیتی و در رسانه‌ها و از طریق کانال‌های ارتباطی (اینترنت و ماهواره) موردبحث و بررسی قرار گیرد و به بسیاری از سوالات و اشکالات وارده از سوی مخالفان پاسخ داده شود و صدای اسلام نباید در میان جریان‌های متناقض و گفتمان‌های مختلف و التقاط بیش‌ازحد و تصاویر متنوع و پراکنده، غرق و یا گم شود.

در عصر مدرن به دنبال موج سکولاریسم، دین به‌طور آگاهانه از صفحه معیشت و سیاست کنار گذاشته شد و علم‌گرایی موجب آن گردید که انسان مدرن برای پاسخ‌های سوالاتش در وادی علم قدم بگذارد. به‌تدریج در عصر پست‌مدرن با آنکه روایت‌های ایدئولوژیک و دینی دچار بحران شده بود راه‌هایی نیز برای بازخوانی و رجعت به دین گشوده شد (غلامرضا کاشی، ۱۳۸۴، ۱۰). در حال حاضر در غرب، رویکرد فراوانی به‌طرف دین مشاهده می‌شود؛ ولی این تحول به حد کافی در رسانه‌های عمومی منعکس نشده است. در اروپا و آمریکا انجمن‌ها و مراکز تحقیقاتی مرتبط با علم و دین به‌طور روزافزونی در حال تأسیس است و درس علم و دین در تعداد زیادی از دانشگاه‌های اروپا و آمریکا عرضه شده است (گلشنی، ۱۳۸۰، ۵۹). البته بازخوانی دین با این بنیادهای جدید و تحولات فکری، نیرو و انرژی عظیمی می‌طلبد؛ بنابراین انسان معاصر برخلاف عصر مدرن که از دین فاصله گرفته و دیدگاه انحصارگرایانه‌ای روی علم پیدا کرده باید بیشتر و بیشتر به علم و دین بپردازد. چیزی که مکتب اسلام برای آن، پاسخ‌های قاطع و قابل توجهی دارد.

درواقع رسالت اسلام و ادیان بزرگ الهی این است که نوعی خودآگاهی به انسان دهند که ماوراء آگاهی علمی است؛ نوعی بصیرت وجودی که انسان را به حرکت و پویایی وادارد. همچنین مذهب، تکیه‌گاه اساسی‌اش بر اخلاق است. فلسفه انسان‌سازی و سیستم تعلیم‌تربیت آن با فلسفه‌های فکری غربی و شرقی متفاوت است. فلسفه وجودی انسان در عصر مدرن و پست‌مدرن، تهیه نیروی انسانی برای رفع احتیاجات جامعه از نظر تکنولوژی تولید، توزیع، مدیریت خدمات ارتباطات و ... است؛ در حالی‌که هدف اساسی تعالیم مذهبی اسلامی، رشد فکری و علمی در جهت کشف حقیقت جهان و در مسیر فطرت و هماهنگی با هستی و همچنین در جهت پرورش ارزش‌های متعالی است.

بنابراین همان‌طور که در ویژگی‌های عصر پست‌مدرن بیان شد مسائلی وجود دارد که متریبیان را در عصر حاضر با مسائلی مواجه می‌کند. مهم‌ترین این موارد، امواج پلورالیسم، سکولاریسم، جهانی‌شدن و تأثیرات شدید رسانه‌ها است. امروز مربی با دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌ها و عقاید مختلفی روبه‌رو است؛ ولی باید معیارهایی برای کشف حقیقت و صحیح از ناصحیح در بررسی این اندیشه‌ها داشته باشد که این موارد در مکتب اسلام مورد تأکید قرار گرفته است.

### چگونگی تربیت دینی در عصر پست‌مدرن

با در نظر گرفتن ویژگی‌های عصر پست‌مدرن و پیشرفت‌ها و تغییرات آن، نظام تربیتی اسلام می‌تواند جوابگوی نیازها و سوالات متریبیان باشد. البته لازم به ذکر است، در بحث‌هایی که مربوط به واقعیت‌شناسی می‌شود و به قول علامه طباطبائی ارتباط با اقتضانات طبیعی دارد و چگونگی آفرینش و قوانین واقعی جهان و انسان را بررسی می‌کند، نمی‌توان سخن از معاصر و غیرمعاصر آورد، مگر در زمینه‌هایی که مربوط به تحول باشد و آمادگی برای تغییر و تبدیل‌شدن را داشته باشد. (طباطبائی، ۱۳۶۰، ۲۷).

در باب معرفت‌شناسی، پست‌مدرن‌ها گرایش به کثرت‌گرایی دارند و هیچ حقیقت فوق‌العاده‌ای که دربرگیرنده همه حقایق باشد را ممکن نمی‌دانند. واقعیت این است که در معرفت‌شناسی اگر بسیاری از بنیادهای فکری و سنگ بناها وجود نداشته باشند، نمی‌توان فرضیات جدید را مورد بررسی و آزمایش قرار داد. نفی انتظار هرگونه رامحل نهایی و پاسخ قطعی از ویژگی‌های این عصر حاضر است؛ البته انسان تا جایی که در زمینه‌ای علم دارد مطابق آن عمل می‌کند و اگر علم به مورد جدیدی دست پیدا کرد آن‌وقت در زمینه کاربرد تغییراتی به وجود می‌آید. در مورد موضوع علم‌آموزی و کسب معرفت در نظام تعلیم‌تربیت اسلامی نکته مهم این است که حدود و ثغور علم تبیین و روشن شود که علم، مشکل‌گشای همه‌چیز نیست و محدودیت‌های خاص خود را دارد و آفت علم‌زدگی به‌وسیله فریختگان جامعه مشخص شود.

در زمینه برخورد فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها، مسئله کثرت‌گرایی فرهنگی به وجود آمده و نظام‌های تربیتی با سؤالات جدیدی مواجه گشته‌اند. از نظر مکتب اسلام، به‌کارگیری عقل و خرد به‌عنوان یک توانایی در انسان موردنظر است. انسان عاقل در اسلام، هیچ ترس و واهمه‌ای از برخورد با افکار مختلف و رویارویی با عقاید گوناگون ندارد. در منطق قرآن، راه دستیابی به عقل سلیم و خردمندی، استقبال از افکار گوناگون و بررسی آنهاست. هدایت و ارشاد خدا، شامل کسانی می‌شود که به این مرحله دست‌یابند و توانایی سنجش افکار و گزینش آنها را پیدا کنند (اعرافی، ۱۳۷۶، ۷۸-۷۹). خداوند در قرآن می‌فرماید: «الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدینهم الله و اولئک هم اولوالالباب» (آن بندگان که چون سخن بشنوند، نیکوتر عمل کنند، آنان هستند که خدا آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند) (سوره زمر، ۱۸).

در صورت پذیرش و یا تحقق رویکرد کثرت‌گرایی فرهنگی، این مسئله پدیدار می‌شود که هویت در چنین نظامی چگونه خواهد بود و با چه چالش‌هایی ممکن است روبه‌رو شود. امروزه هویت با توجه به مسئله کثرت‌گرایی فرهنگی و روند جهانی‌شدن، معنایی نو یافته است. نفوذپذیر بودن مرزها و رشد گوناگونی نژادی - فرهنگی باعث می‌شود تا هماهنگ‌سازی فرهنگی ناممکن شود. «کثرت‌گرایی به معنای حمایت از تنوع ملیت‌ها در برابر تأثیر یکنواخت‌کننده فرهنگ جهانی نیز است» (ویوکار، ۱۳۸۱، ۴۵)؛ البته کثرت‌گرایی فرهنگی دارای دو وجه است. وجه مثبت آن به معنای ایجاد فرصت‌های مناسب برای طرح، تبیین و رشد فرهنگ‌های ناشناخته موجود در سراسر جهان است و وجه منفی آن به معنای نفوذ مؤلفه‌هایی از فرهنگ بیگانه در بنده و ساختار فرهنگ ملی و محلی است که به تضعیف فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و فردی می‌انجامد و در نظام تربیتی اسلام باید به وجه مثبت آن توجه نمود (سجادی، ۱۳۸۴، ۲۷).

جهانی‌شدن که از نتایج دوران مدرنیته توسعه و پیشرفت فن‌آوری اطلاعات است، هم می‌تواند مطلوب باشد و هم نباشد. از نظر اقتصادی باعث گسترش و اتحاد بازارهای مالی و بورس و بین‌المللی شدن تولید می‌شود. رقابت گسترده اهمیت پیدا می‌کند. بازار جهانی، علم و تکنولوژی و تولید اطلاعات علمی رشد می‌نماید و این رشد بر نهادهای علمی و دینی از جنبه‌های گوناگون اثر می‌گذارد. استفاده افراد از انواع ابزارهای ارتباطی الکترونیکی نظیر رایانه، ماهواره باعث گسترش و رواج الگوهای رفتاری مشابهی در سطح جهانی شده، فرهنگ جهانی ارزش و تبلیغ می‌شود و مفاهیمی که با فرهنگ ملی و دینی جوامع مطابقت ندارد به سایر جوامع تحمیل می‌شود. به نظر می‌رسد این فرهنگ که از طریق این رسانه مطرح می‌شود برای کسانی که بنیة فکری قابل‌توجهی نداشته باشند، هویت‌زا است، نه هویت‌ساز و هویت انسانی، قربانی هویت ماشینی می‌شود (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳، ۱۳).

اصولاً رسانه‌ها و تبلیغات غربی با مثبت نشان دادن خود و منفی نشان دادن افکار و اندیشه‌های فرهنگ‌های دیگر، به‌ویژه تفکرات اسلامی، می‌خواهند این مسئله را القاء کنند که ملت‌ها باید دنبالمرو غربی‌ها و یا به عبارتی (صاحبان قدرتی که رسانه‌ها را در دست دارند) باشند. فرایند جهانی‌شدن که در آن، فرهنگ‌ها، انسان‌ها و علوم و ابزارها در هم تنیده شده‌اند، سبب شده است که چهارچوب‌های پذیرفته شده انسانی و معیارهای نیک و بدی زیر سؤال بروند. انسان در عصر جدید به‌ناچار باید در پی دیدگاه‌ها، رهیافت‌ها و مواضع دیگری در برابر زندگی جامعه و دیگر انسان‌ها باشد. در جامعه ایران، فرهنگ و دیدگاه اسلامی این امکان را به مریبان و متریبان می‌دهد که وارد ارتباطات در سطح جهانی بشوند. اسلام از ابتدا داعیه جهانی‌شدن داشت. اسلام سیاه‌وسفید و نژاد خاص و یا زمان و مکان ویژه‌ای را نمی‌شناسد. منتهی از نظر فرهنگ اسلامی، مسئله جهانی‌شدن که بیشتر، فرهنگ غربی‌ها را گسترش می‌دهد و تحمیل می‌کند باید موردبررسی دقیق‌تر قرار بگیرد. اگر ارتباطات علمی باشد مثلاً اطلاعات مهندسی، پزشکی، فیزیکی و ... ردوبدل شود و یا روش‌ها و فن‌آوری‌های مختلف گسترش پیدا کند، بسیار مثبت است؛ اما اگر این ارتباطات نگرش انسان را به جهان، انسان، هدف و آینده، زندگی و ارزش‌ها تغییر داد، قابل‌تأمل است و کنترل بیشتری باید صورت پذیرد. جهانی‌شدن نه‌تنها دین را به حاشیه نرانده بلکه آن را در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان دیگری به دین و آموزه‌های دینی احساس نیاز می‌کند؛ بنابراین جایگاه دین باید برای متریبان در عصر حاضر روشن شود.

در رابطه با تأثیر رسانه‌ها بر متریبان باید به این نکته اشاره کرد که فن‌آوری پیشرفته‌ای چون اینترنت، مسیر بزرگراه‌های اطلاعاتی را از دانشگاه‌های بزرگ و مراکز پیشرفته تحقیقات به‌سوی دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و سایر مراکز کوچک‌تر آموزشی نیز می‌کشاند. از طریق اینترنت، فرصت‌های بدیعی فراهم شده که در آن، همه فرهنگ‌ها و همه واحدهای انسانی قادر به تبلیغ و پخش اندیشه‌ها و نقدهای خود هستند؛ بنابراین ماهیت آموزش، یادگیری و گفت‌وگو دچار تغییر می‌شود و ارتباطات تک‌به‌تک، یا تک با جمع قابل‌گسترش به ارتباطات جمع با جمع یا چندجانبه می‌شود. مردم عادی، دانشمندان، متخصصان، هنرمندان و سیاستمداران وارد فرایندهای تربیتی و یادگیری مدرسه می‌شوند و روشن است که برنامه درسی، محتوای مواد درسی و عناصر شکل‌دهنده آموزش و پرورش تحت‌تأثیر جامعه متکثر و پیچیده قرار می‌گیرد (آهنچیان، ۱۳۸۲، ۳۳). بنابراین در چنین شرایطی آموزش و پرورش باید نیروهای خود را بر آماده‌ساختی متریبانی با سواد رسانه‌ای و آگاه و منتقد متمرکز سازد تا از تأثیرات منفی رسانه‌ها کاسته و از جنبه‌های مثبت آن بهره‌گیری نماید.

**جمع‌بندی**

استفاده و کاربرد زبان به‌جای تجزیه و تحلیل عقلانی، نقش تحلیلی فلسفه به‌جای جستجو برای حقیقت، بر هم خوردن ملاک‌های تشخیص حقیقت از خطا و پارمپاره و جزئی‌نگر شدن علم و کاربردی شدن علم به‌جای حقیقت‌یابی، بحران هویت فردی و اجتماعی و هویت‌های ساخته شده از منابع فرهنگی متعدد، ارزش‌های اخلاقی بر اساس گفت‌وگو و گزینشی و نه حاصل میراث فرهنگی و دینی واحد، تنوع و کثرت‌گرایی دینی، فرهنگی و تربیتی، ناهماهنگی و عدم تجانس فرهنگی، جهانی‌شدن و گسترش سریع ارتباطات، نیاز به بازخوانی دین با تحولات فکری جدید و بسیاری مسائل دیگر، از موضوعاتی است که در این مقاله به آن اشاره شد.

در مجموع با توجه به مسئله انقلاب ارتباطات، پلورالیسم فرهنگی و جهانی‌شدن و ... که تربیت دینی را مطابق روش‌های گذشته مانند ایجاد عادت، تلقین و تحمیل ناممکن می‌سازد باید از مشخصه‌ها و مؤلفه‌هایی برای تربیت سخن گفت که رویارویی با مسائل عصر پست‌مدرن را امکان‌پذیر سازد. یکی از این مؤلفه‌ها، ایجاد بینش و بصیرت و به عبارتی، تبیین است. امروزه دادن دانش و مجموعه اطلاعات به مرتبی مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه مرتبی باید در پی فراهم کردن بصیرت و آگاهی عمیقی باشد که ذهن مرتبی را نسبت به تغییراتی که قرار است در وی رخ دهد، روشن نماید. همچنین به دست دادن معیارها می‌تواند او را به قواعدی کلی رهنمون کند تا صحیح را از سقیم شناسایی نماید. «معیارها، قواعدی کلی هستند همچون فرمول‌های انتزاعی که اعمال و رفتارها را برحسب آنها می‌سنجیم. معیارها می‌توانند هر وضعیت مطلوب یا نامطلوب را در جریان تربیت مشخص کنند» (باقری، ۱۳۸۴، ۶۵).

بنابراین معیارها در عصر پست‌مدرن موجب می‌شود که مرتبی وضعیت مطلوب یا نامطلوب را شناسایی کند. یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی که به متریبان کمک می‌کند تا انگیزه‌های عمل خود را به‌خوبی ملاحظه کنند، تحرک درونی در فرد است؛ یعنی الزام‌ها و تلقین‌های بیرونی با توجه به وضعیت برخورد با اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و رفتارهای متنوع و ضدونقیض مؤثر نیست؛ بلکه الزام درونی، تأثیرگذار است؛ یعنی مرتبی در درون متحول شود و با انگیزه‌های روشن بداند که چگونه فکر و رفتار کند؛ و سرانجام ظهور نقد و نقادی به‌عنوان مؤلفه چهارم می‌تواند به مرتبی در رابطه با مسائل عصر حاضر یاری رساند و تربیت دینی را امری ممکن و مؤثر نشان دهد. «بر این اساس یکی از لوازم قطعی جریان تربیت، ظهور نقد و نقادی، به‌ویژه از ناحیه مرتبی است. هنگامی که مرتبی حکمت اعمال و رفتارهای مطلوب در تربیت را شناخت و معیارها را بازشناخت و خود نیز انگیزه‌های درونی در حرکت خویش داشت، آمادگی نقادی نسبت به مسائل مختلف را خواهد داشت و به ارزیابی و داوری خواهد پرداخت.» (همان منبع، ۱۳۸۴، ۶۸).

نهایتاً می‌توان به این نتیجه رسید که شناسایی آموزه‌های تربیتی پست‌مدرن و پی بردن به نقاط ضعف و قوت تعلیم و تربیت پست‌مدرنیستی می‌تواند آمادگی لازم را برای متریبان در مواجهه با این پدیده ایجاد کند. سخن گفتن از تربیت دینی در عصر پست‌مدرن، مستلزم آن است که متریبانی را تربیت نماییم که یارای مقاومت در برابر چالش‌های مطرح شده در این عصر را داشته باشند؛ زیرا با توجه به این مسائل، تربیت دینی مطابق روش‌های گذشته ناممکن است و باید از مشخصه‌های تبیین، به دست دادن معیارها، تحرک درونی و نقادی سخن گفت. همچنین متفکران و مربیان مسلمان به‌ویژه در ایران با غور و تفحص در مکتب غنی اسلام باید ویژگی‌های عصر را بشناسند و بشناسانند و انتظارات ایجاد شده از این موقعیت جدید را مشخص کرده و در پی پاسخگویی برآیند. امید است مقاله‌ها و تحقیقاتی که مانند مقاله حاضر سعی بر نشان دادن این موضوع داشته‌اند بتوانند راه جدیدی را برای برآورده ساختن این نیازها بگشایند.

## منابع

### \*قرآن کریم

۱. اعرافی، علی‌رضا و همکاران؛ *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۶.
۲. اندرسون، والتر تروت؛ *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم*؛ ترجمه حسینعلی نودری؛ انتشارات نقش‌جهان، ۱۳۸۰.
۳. آهنجیان، محمدرضا؛ *آموزش و پرورش در شرایط پست‌مدرن*؛ تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲.
۴. بادیو، آلن؛ *میل فلسفه و جهان معاصر*؛ ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان؛ روزنامه شرق، سال دوم، شماره ۳۴۲، ۱۳۸۳.
۵. باقری، خسرو؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*؛ جلد دوم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
۶. بهشتی، سعید؛ *فلسفه تعلیم و تربیت*؛ مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۷۷.
۷. جنکز، چارلز؛ *پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم*؛ ترجمه حسینعلی نودری؛ انتشارات نقش‌جهان، ۱۳۸۰.

۸. سجادي، سيد مهدي؛ کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت؛ فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی؛ تهران: شماره ۱، ۱۳۸۴.
۹. صوفي آبادي، محمود؛ «اسلام، جهانی‌شدن و پیامدهای فرهنگی آن»؛ <http://www.isu.ac.ir> ۱۳۸۳.
۱۰. طباطبائي، سيد محمدحسين؛ *اسلام و انسان معاصر*؛ قم: انتشارات رسالت، ۱۳۶۰.
۱۱. غلامرضا کاشي، محمدجواد؛ «پست‌مدرنیسم چالشی با بنیادگرایی دنیای مدرن»؛ ۱۳۸۴.
۱۲. فرمیانی فراهانی، محسن؛ *پست‌مدرن و تعلیم‌تربیت*؛ تهران: نشر آینه، ۱۳۸۳.
۱۳. فکوهی، ناصر؛ *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۴. کاردان، علی‌محمد؛ *سیر آراء تربیتی در غرب*؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۱۵. کهن، لارنس؛ *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*؛ ترجمه عبدالکریم رشیدیان؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۶. گلشنی، مهدی؛ *از علم سکولار تا علم دینی*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۱۷. نوذری، حسینعلی؛ *صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته*؛ تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹.
۱۸. ویورکار، م؛ «چالش‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر»؛ *مجله سیاسی اقتصادی*، شماره ۵ و ۶، ترجمه فرخ خجسته، ۱۳۸۱.
۱۹. Lyotard, J.F, *The Postmodern Condition: A Report on knowledge*, Minnesota. Minn: University of Minnesota Press, 1984.
۲۰. Lyotard, J.F. *The Postmodern Condition: A Report on Knowledge*, Manchester, Manchester University Press, 1986.